

گفت‌وگوی «جوان» با «زهراباقری» نویسنده کتاب «شهاب دین» با موضوع زندگانی مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی

مطلع «شهاب‌دین» را غافلگیرکننده نوشتم تا مخاطب پاگیر قصه شود



وقتی به حرم حضرت معصومه(س) مشرف می‌شدم، گاهی اوقات به سر مزار این عالم بزرگ هم می‌رفتم، شاید همین اتفاقات زمینه یک رابطه دلی و قلبی را برای من نسبت به ایشان ایجاد کرده بود که باعث

شد وقتی به چنین کاش و آرزویی فکر کردم، ذهنم به سمت ایشان هدایت شد

رفتید، چه اتفاقی افتاد؟
صبح آن روز که به کتابخانه ایشان رفتم، پس از معرفی خودم به مسئولان آنجا گفتم می‌خواهم کتابی در مورد زندگی ایشان بنویسم، آنها به من گفتند باید با رئیس کتابخانه یعنی آقای سیدمحمود مرعشی فرزند ارشد آیت‌الله مرعشی نجفی صحبت کنم، بعد از چند وقت با من تماس گرفتند موافقت کردند. خانواده ایشان در مسیر انجام تحقیقات، پژوهش، جمع‌آوری مطالب و مصاحبه‌ها خیلی همکار و همراه بودند و هر موقع که نیاز بود به صورت تلفنی، حضوری و حتی مکاتباتی سوآلام را پاسخ می‌دادند.

شما در کتاب شهاب دین، زندگی آیت‌الله مرعشی را به صورت داستان‌گونه روایت کرده‌اید، در مورد شیوه نگارش، سبک و تکنیک به کار رفته در تألیف آن توضیحاتی بدهید.

همانطور که شما اشاره کردید من سعی کردم کتاب را به شیوه داستان‌گونه بنویسم و شبیه زندگینامه‌های روئین معمول که در آنها یک خط سیر خاصی دنبال می‌شود، نباشد و حوادث و ایام را در قالب قصه برای مخاطب روایت کنم.

سراسر آغاز قصه این کتاب با یک غافلگیری و حادثه خاصی شروع می‌شود، علت انتخاب چنین شروعی برای کتاب چه بود؟

به آغاز این کتاب با رحلت و درگذشت این عالم جلیل‌القدر و بزرگ جهان اسلام وشیعه شروع می‌شود. من خیلی زمان گذاشتم تا با یک شروع خوب کار را بنویسم و بعد از مدت‌ها فکر کردن به این مطلب رسیدم. در واقع من می‌خواستم کتاب با شروع متفاوت و غافلگیرکننده‌ای نوشته شود تا

مصطفی شاه کرمی
کتاب «شهاب دین» زندگینامه‌ای داستان‌گونه از آیت‌الله شهاب‌الدین حسین بنی مرعشی‌نجفی به نویسندگی زهرا باقری است که امسال به عنوان اثر محوری پویش ملی کتابخوانی معرفی شده‌است؛ کسی که با به جان خریدن مرارت‌ها، مسافرت‌های سخت و جانفرا سه موق شد کتابخانه‌ای عظیم و بزرگ ایجاد کند که امروزه از لحاظ تعداد و کیفیت نسخه‌های خطی کهن اسلامی، نخستین کتابخانه ایران و سومین کتابخانه جهان اسلام به‌شمار می‌رود. نویسنده در این اثر سعی کرده‌است با قلمی ساده و به دور از تکلف وقایع مهم زندگی این مرجع عالیقدر شیعه را به تصویر بکشد. این کتاب مخاطب را با آیت‌الله مرعشی همراه می‌کند و به نجف، کربلا، سامرا، تبریز، تهران و قم می‌برد. خواننده گاهی از گوشه حجره‌های کوچک شاهد شش‌زنده‌داری‌ها و مرارت‌های او است و گاهی تلاش‌های ایشان را در اوج فقر و تنگدستی برای خرید یک کتاب می‌بیند. در این اثر خواننده از تشرفات آیت‌الله مرعشی به محضر امام زمان(عج) هم بی‌پهره نمی‌ماند و همچنین گوشه‌هایی از مناظرات این‌عالم بزرگ با بزرگان ادیان دیگر از جمله سبک‌ها و بوداییان را مقابل چشم حاضر می‌بیند. «جوان» به بهانه قرار گرفتن این کتاب در پویش ملی کتابخوانی با زهرا باقری، نویسنده این کتاب در رابطه با سبک و تکنیک نگارش، منابع و سیر تألیف آن گفت‌وگو کرده‌است.

کتاب شهاب دین به عنوان محور پویش ملی کتابخوانی امسال اعلام شده‌است و واکنش شما موقعی که از موضوع خبردار شدید، چه بود؟
واقعیت این است که دوستان پر تلاش و حرفه‌ای انتشارات شهید کاظمی که همه زحمات چاپ و انتشار اثر را بر عهده داشتند، به من گفته بودند که قرار است کتاب در پویش ملی کتابخوانی قرار بگیرد اما من آن را خیلی جدی نگرفتم و تلقی‌ای این بود ممکن است فقط در همین سطح باشد و عملیاتی نشود و پیگیری شرایط پویش نشدم. آرزوی که این خیر را شنیدم در مجلس شورای اسلامی بودم اما بیشتر از آنکه از این خیر خوشحال باشم به خاطر اینکه مخاطبان بیشتری از زحمات عالم‌عالیقدر و بزرگی مثل آیت‌الله مرعشی در جمع‌آوری کتاب‌های شیعه و مرارت‌ها و سختی‌هایی که ایشان کشیدند، اطلاع پیدا می‌کنند، احساس شادمانی و شغف داشتم. من این اثر را تلاشی اندک و ناچیز در مقابل آن همه گذشت و سختی و زحمات طاقت‌فرسای آیت‌الله مرعشی و صرفاً ن ارادای دین به این شخصیت ممتاز و کم‌نظیر جهان اسلام می‌دانم نه چیز دیگری.

کتاب شهاب دین، در مورد شخصیت برجسته عالیقدر عالم جهان اسلام مرحوم آیت‌الله شهاب‌الدین مرعشی‌نجفی است. شخصیت کم‌نظیر ایشان به خصوص در رابطه با زحماتی که برای تهیه و خرید کتب خطی و نسخ بر خی آثار نایاب و کمیاب متحمل شده‌اند و آن کتابخانه بزرگ جهان اسلام، برای بسیاری از مخاطبان کتاب و کتابخوانی آشناست، چطور شد به فکر نوشتن کتابی در مورد این شخصیت افتادید؟ آیا این کتاب یک اثر سفارش‌شده بود یا جوششی و از سر علایق شخصی؟

این کار اصلاً سفارشی نبود. زمانی که کتاب «نخل و نارنج» (تألیف وحید یامین‌پور) را مطالعه کردم، خیلی از آن خوشم آمد و آن موقع کتاب اول من به اسم «تاتا» تازه منتشر شده بود. با خودم گفتم چقدر خوب است که من هم چنین اثری بنویسم. در واقع حسی مثل غبطه خوردن در من ایجاد شده بود و آرزو داشتم چنین کاری برای یکی از علمای کشورمان بنویسم. همان روز ذهنم به سمت آیت‌الله مرعشی رفت، فردای آن روز به کتابخانه ایشان در شهر قم رفتم.

منظورتان این است که بدون هیچ پیش‌زمینه ذهنی، افکارتان به سمت ایشان هدایت شد؟
حقیقت این است که من قبلاً کتابی در مورد تشرفات آیت‌الله مرعشی به خدمت امام زمان(عج) را خوانده بودم یا مثلاً وقتی به حرم حضرت معصومه(س) مشرف می‌شدم، گاهی اوقات بر سر مزار این عالم بزرگ هم می‌رفتم، شاید همین اتفاقات زمینه یک رابطه دلی و قلبی را برای من نسبت به ایشان ایجاد کرده بود که باعث شد وقتی به چنین کاش و آرزویی فکر کردم، ذهنم به سمت ایشان هدایت شد.

پس از اینکه فردای آن روز به کتابخانه ایشان

فرهنگی

فرهنگی ۶ ۸۸۴۹۸۴۳۷



و دوران تحصیل و مابقی اتفاقات و ایام زندگی ایشان پرداخته می‌شود.

اگر بخواهیم یک تم‌کمز را روی آن گذاشته‌ایم، که بیشترین تمرکز را روی آن گذاشته‌ایم، تعریف کنیم، شما این بخش اصلی داستان را به چه بخشی از زندگی ایشان اختصاص داده‌اید؟
اگر چه همانطور که گفتم در این کتاب سعی شده‌است همه زندگی ایشان، حوادث و اتفاقات مهم دوران حیات‌شان مرور شود اما قسمت اصلی قصه مربوط به سال‌های اقامت و تحصیل ایشان در شهر نجف اشرف است، به‌واقع از دوران جوانی ۱۲ تا ۱۳سالگی آیت‌الله مرعشی و ورودشان به حوزه نجف تا حدود ۳۰سالگی‌شان که در این شهر زندگی می‌کردند، بخش اصلی و محوری‌ت داستان این دوران است.

چون هم شخصیت اصلی کتاب و هم زندگی ایشان به عنوان یک شخصیت برجسته و شناخته‌شده عرصه علمی و دینی است، نوشتن در مورد‌شان اقدامی سهل و ممتنع است. سهل از این باب‌ت که منابع زیادی در اختیار نویسنده است و ممتنع و مشکل از این منظر که ایشان یک شخصیت برجسته علمی و دینی و ویژه‌ای هستند که لازم است نویسنده وسواس و دقت نظر بیشتری را به نسبت سوزو‌های عادی تر ملاک نظرش قرار بدهد. این سهل و ممتنع بودن تألیف کتاب برای شما به عنوان نویسنده اثر چه ملاحظاتی را ایجاد کرده بود؟

همانطوری که شما گفتید، این مسئله خیلی برای من سخت بود. من وقتی این اثر را با کتاب نخل و نارنج آقای یامین‌پور که بر محور زندگی خاتم‌القیه‌اء والمجتهدین جناب شیخ مرتضی انصاری نوشته شده مقایسه می‌کنم، در عین اشتراکات زیادی که بین شخصیت‌های علمی و دینی مانند شیخ مرتضی انصاری و آیت‌الله مرعشی وجود دارد. من با یک مسئله مضاعف دیگری که مواجه بودم این بود که چون آیت‌الله مرعشی به لحاظ تاریخی یک شخصیت معاصر ما هستند و همین چند سال پیش رحلت کردند و فرزندان‌شان در قید حیات هستند، باید همه آنچه را که می‌نوشتم با خانواده و فرزندان ایشان هماهنگ و چک می‌کردم، حتی در برخی موارد من مایل بودم یکسری اتفاقات زندگی ایشان را در قالب فصل‌هایی از کتاب بیاورم اما فرزندایشان به دلایل و ملاحظاتیکه در مورد تلقی مخاطب نسبت به شخصیت ایشان بود، با آنها مخالفت می‌کردند که من هم آنها را حذف کردم.

با ذکر به بخش‌هایی مخالفت داشتند؟
بیشتر با ذکر موضوعات و اتفاقاتی که در رابطه با احوالات شخصی آیت‌الله مرعشی نجفی بود مخالفت می‌کردند که البته نگاه دقیق و حرفه‌ای هم بود و به همین علت من هم مطابق نظرات خانواده ایشان عمل می‌کردم. این همان بخش سخت و ممتنعی بود که در کار با آن مواجه بودم.

و بخش سهل آن چه بود؟

بخش آسان نوشتن کتاب «شهاب‌دین» در دسترس بودن

یکی دو پاراگراف چندین مقاله علمی و دینی را مطالعه کنم. این مطالعات یکی از برکات نوشتن این کتاب برای من به عنوان نویسنده در کنار دیگر اتفاقات خوشایندی است که به خاطر نوشتن «شهاب‌دین» نصیبم شد.

قطعاً محاجه کردن چند دانشمند با اصول و عقاید متفاوت می‌تواند برای مخاطب جذابیت زیادی داشته باشد، چرا از این عنصر جذب مخاطب زیاد بهره نبردید؟

واقعیت این است که سطح سواد و آگاهی من نویسنده نسبت به آیت‌الله مرعشی و کسانی که ایشان با آنها مناظره کردند، خیلی کمتر است و می‌ترسیدم که این عدم‌آگاهی و تسلط باعث بروز خطاها و اشتباهاتی بشود که به شخصیت و جایگاه علمی آیت‌الله مرعشی به عنوان یکی از مراجع بزرگ شیعیه و کسی که برای به دست آوردن و خریدن تک‌تک کتاب‌های کتابخانه‌شان که نخستین کتابخانه ایران و سومین کتابخانه جهان اسلام به‌شمار می‌رود، مرارت‌ها، سختی‌های عجیب و غریبی از کارگری کردن تا خواندن نماز و روزه استیجاری متحمل شده‌اند، خدشه‌ای وارد کند. وقتی ایشان دو سال روزه استیجاری می‌گیرد و گرسنگی می‌کشد تا بتواند یک کتابی را بخرد، من باید با دقت نظر هر چه بیشتر در روایت اتفاقات به این تلاش‌ها احترام می‌گذاشتم. از طرفی دیگر همانطوری که عرض کردم، متأسفانه هیچ مستند و متنی در مورد جزئیات این مناظرات وجود نداشت و این موضوع کار را سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌کرد، البته بخش‌هایی از کتاب که در مورد تشرفات ایشان خدمت امام زمان(عج) است، به خصوص تشرف ایشان در مسجد سهله بر اساس مستندات متقن و موققت‌شده است که قبلاً هم در کتاب‌های دیگر منتشر شده‌اند و به‌نظرم شیرین‌ترین بخش کتاب بر خی جزئیات مفصل همین تشرفات ایشان به محضر امام عصر(عج) است.

با توجه به چندوجهی بودن شخصیت آیت‌الله مرعشی، شما در این اثر روی کدام بخش از وجود شخصیتی ایشان متمرکز شدید؟

من از فرزندایشان پرسیدم که مایل هستید کدام بخش از زندگی عجیب و جذاب ایشان برجسته شود و مخاطبی که این کتاب را می‌خواند آن بخش از شخصیت‌شان در ذهن او ماندگار بشود که در پاسخ به من گفتند بخش کتاب و کتابخانه را. من هم سعی کردم خدمات بی‌نظیر ایشان به کتاب و کتابخانه را بررنگ‌تر از دیگر وجوه شخصیت کم‌نظیرشان نشان بدهم اما نمی‌دانم که تا چه اندازه در این مهم موفق عمل کرده‌ام؟

کل فرایند تألیف کتاب از پژوهش‌های ابتدایی تا مطالعه منابع و پیاده‌سازی گفت‌وگو‌هایی که با خانواده ایشان انجام دادید، چقدر زمان برد؟

کل کارهای مربوط به تألیف حدود ۱۰ ماه طول کشید، البته این ۹ ماه به صورت پشت سرهم و متوالی نبود بلکه در فواصل زمانی مختلف و به شکل منتأوب کل این فرایند ۹ ماه طول کشید. گاهی پیش می‌آمد به خاطر برخی مشکلات شخصی فرصت نوشتن کتاب را پیدا نمی‌کردم، به همین علت اگر قرار باشد از ابتدای شروع تا انتهای تحویل اثر به ناشر را محاسبه کنیم باید بگوییم که کار را از اسفندماه سال ۱۳۹۹ آغاز کردم و کتاب را اسفندماه سال ۱۴۰۰ تحویل‌ناشر داد. تقریباً از دیهشت ماه سال جاری بود که کتاب از سوی دوستان سزاوار است کاربلد انتشارات شهید کاظمی در ایام برپایی نمایشگاه بین‌الملل کتاب تهران منتشر شد و در اختیار مخاطبان قرار گرفت.

برای نوشتن کتاب به غیر از خانواده ایشان از چه منابع دیگری استفاده کردید؟

حدود ۱۲ جلد کتاب توسط فرزندایشان که الان رئیس کتابخانه آیت‌الله مرعشی هم هستند در اختیار من قرار گرفت تا یکی از آنها به زبان عربی بود. در کنار اینها با پرس بزرگ آیت‌الله (مسئول کتابخانه) و همچنین پسر کوچک ایشان چندین مصاحبه انجام دادم، البته یکسری سوآلات را هم به صورت مکتوبی برای‌شان می‌فرستادم و فرزند ارشد این بزرگوار به آنها پاسخ می‌دادند.

این کتاب برای چه سطح سنی از مخاطبان نوشته شده‌است؟

گمان می‌کنم از نوجوانی که در حال رسیدن به سنتین جوانی است تا افراد بزرگسال می‌توانند مخاطب این کتاب باشند.

وجه تسمیه کتاب چه بوده‌است؟

علت انتخاب اسم «شهاب دین» برای این کتاب ابتدا اسم ایشان است که شهاب‌الدین بوده و علت دیگر معنای واقعی و علی‌الاطلاق لفظ شهاب دین است و من معتقدم ایشان به معنای واقعی کلمه شهابی درخشان در آسمان دین هستند.

نویسنده کتاب «بررسی، شرح و تحلیل قصیده فرزدق در ستایش امام سجاد(ع)» ادامه داد: «مناسب است متولیان شعر فجر با نگاهی به تاریخ ادب درخشان پارسی و بازنشر آثار قدما‌ی ادب و شعر این مرز و بوم، شاعران و نویسندگان جوان را با داوری حرفه‌ای و خلاقانه شناسایی کنند و زمینه رشد و شکوفایی علمی آنان را در قالب اعطای تسهیلات حمایتی فراهم آورند. ادبیات مقولهای دنباله‌دار است، بنابراین سزاوار است در شعر فجر و دیگر مناسبت‌های ادبی، به آینده شعر و ادب پارسی توجهی در خور و شایان صورت بگیرد و نخبگان جوان مورد حمایت قرار گیرند. از سوی دیگر، معرفی شعر و ادب آیینی ایران‌زمین به دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌ها، رسالتی بزرگ به شمار می‌رود و همت بالایی را در ترجمه آثار برگزیده به دیگر زبان‌ها و تلاش برای معرفی و نشر آن می‌طلبد که شاید صرفاً جشنواره شعر فجر می‌تواند از پس آن برآید.»

مفاهیم دینی و ارزش‌های انقلابی پیوند زده و دلدادگی خود را به سرزمین ایران و شعر پارسی که برای همه ایرانیان در اقصی نقاط کره زمین موجب افتخار و بالندگی است، ابراز می‌کنند، رویدادی یگانه برای دیده شدن است.»

وی ادامه داد: «جلوه‌های شعر علوی، فاطمی، عاشورایی و مهدوی از مهم‌ترین جلوه‌های ادب آیینی به‌شمار می‌رود که در برخی موارد آن همچون شعر فاطمی، کمبودهایی دیده می‌شود که سزاوار است جشنواره‌های ادب آیینی همانند شعر فجر بیشتر به آن پرداخته و توجه کند. به هر روی جشنواره بین‌المللی شعر فجر فرصتی ارزشمند برای بازنگری در مؤلفه‌های ارزش‌گرا و اخلاقمدار در شعر و ادب پارسی است و همچنین درنگی در مطالعه و نقد آثار ادبی که توسط شاعران و نویسندگان جوان و معرفی آن به جامعه، تولید و خلق می‌شود.»

وی افزود: «اگر شاهنامه حکیم پرواوزه ادب و شعر پارسی فردوسی طوسی در قالب شعر حماسی خلق نمی‌شد، آیا این امکان وجود داشت که به زبان و بیان دیگری اسطوره‌های کهن پارسی و نیز تاریخ گذشته این سرزمین را به نسل‌های بعد منتقل کرد؟» نویسنده کتاب «بررسی زندگی ابوفراس حمدانی و تأملی بر اشعارش» به فرصت‌هایی که جشنواره بین‌المللی شعر فجر برسرای ادبیات آیینی به وجود می‌آورد، اشاره کرد و گفت: «جشنواره شعر فجر فرصتی ارزنده برای دیده و شنیده شدن آثار ادبی نوین و شناخته شدن چهره‌های جوان شعر و ادب پارسی از همه جغرافیای ادبی زبان شیرین پارسی از ایران و افغانستان گرفته تا تاجیکستان و آن سوی شبه‌قاره هند و تمامی پارسی‌دوستان و آنان که این زبان شیرین و کهن را دوست داشته و به آن شعر می‌سرایند، است. این جشنواره برای شاعرانی که شعر و ادب خود را با